

## سرمقاله

## اتحادیه جهانی فیلمسازان خانواده محور



مرغیبه فرزعلیان

برگزاری جشنواره بین المللی فیلم حوا در تهران و شهرستان‌ها آن هم با موضوع زن و خانواده می‌تواند سرآغاز جریانی در تولید آثاری باشد که به موضوع خانواده از درچه کاملاً تازه‌ای نگاه می‌کند. اما جشنواره فیلم حوا می‌تواند منشا اتفاقات بسیار بزرگتری هم باشد. از آنجا که این جشنواره به زندگی بخش بزرگی از مردم جامعه می‌پردازد این ویژگی را دارد که محیط بزرگتری را در حوزه فرهنگ و هنر با موضوع بانوان کشور پوشش دهد. بخش بزرگی از جامعه ما را زنان و بانوان تشکیل می‌دهند و سینما به عنوان یک رسانه مسلط و جهانی این قابلیت را دارد که منعکس کننده آرزوها، دردها، شادی‌ها و فراز و فرود زندگی زنان در جغرافیا و فرهنگ‌های مختلف باشد. اما آیا سینما از تمامی ظرفیت‌هایش برای انجام این مهم بهره گرفته و در خدمت بازروایی زندگی زنان در گوشه و کنار دنیا بوده است؟ واقعیت این است که سینما راه درازی برای رسیدن به نقش رسانه‌ایش در این حوزه دارد. سینما هر چقدر در نشان دادن قهرمان زن دلخواهش موفق و دست و دل‌باز بوده در نشان دادن چهره واقعی زن در گوشه و کنار دنیا، زبان الکن و روایت گسسته‌ای داشته است. تا آنجا که می‌توان گفت سینما اساساً آنگونه که باید به این حوزه ورود نکرده است. درباره اهمیت برگزاری جشنواره حوا گفتیم و اینکه این جشنواره می‌تواند سرآغاز حرکتی باشد که همه نگاه‌ها را متوجه معضلات ریز و درشت جامعه زنان در کشورهای مختلف کند. شنیده‌ها حاکی از این است که قرار است بواسطه این جشنواره اتحادیه جهانی فیلمسازان خانواده محور شکل بگیرد. زن و خانواده می‌تواند همچنان یکی از مهمترین آوردگاه‌های انسان امروزی باشد. در همه جای دنیا خانواده مهمترین عنصر حیاتی جامعه ذکر شده است. خانواده یک تعریف و تشخیص جهانی دارد و این تشخیص هیچ ربطی به مذهب، سیاست، جغرافیا، قوم، زبان، فرهنگ و... ندارد. خانواده به خودی خود در هر جامعه‌ای از مهمترین ارکان شکل دهنده مدنیت محسوب می‌شود. بدون خانواده، منهنیات، اخلاقیات و مذهب هیچ شانسی برای بقا و حیات ندارند و زن به عنوان مهمترین عنصر خانواده نقشی بی‌بدیل در شکل‌گیری و سامان‌دهی آن دارد. بازشناسی و بازتعریف نقش زن در دنیای امروز، چه در خانواده و چه در اجتماع می‌تواند اثرگذاری و نقش او را در این نظام شگفت‌انگیز به ما یاد آور شود. خانواده در همه نقاط جهان، تعریف‌های نزدیک به هم و یکسانی دارد. در کشورهای شرقی مثل ژاپن، چین، کره جنوبی، اندونزی و... چه در کشورهای مسلمان مانند لیبی، عربستان، عراق، عمان، ایران و... چه در کشورهای آفریقایی مثل کنیا، آفریقای جنوبی، ساحل عاج و... چه در کشورهای پیشرفته‌ای مثل آمریکا و اروپا، خانواده امن‌ترین جایی است که به انسان آرامش و آسایش توأمان می‌بخشد. در سال‌های گذشته سینما به عنوان یکی از مهمترین ابزارهای رسانه‌ای و در دسترس‌ترین آنها کمتر به این حوزه ورود کرده است در حالی که قابلیت‌ها و جایگاه زن و خانواده در همه جوامع آنقدر شناخته شده و معتبر است که بی‌نیاز از هر سخن اضافه‌ای است. بررسی دوباره جایگاه سینما و نقش آن در تعالی بخشی فرهنگ زن و خانواده می‌تواند به فهم بهتر موضوع کمک کند. تشکیل اتحادیه جهانی فیلمسازان خانواده محور در ایران، منطقه و جهان می‌تواند یکی از فرازهای برپایی نخستین جشنواره فیلم حوا باشد. یادمان نرود بزرگترین هدف‌ها، با گام‌های کوچک و خرد محقق شده است...

## چرا جشنواره فیلم حوا مهم است؟



برای ایجاد گفتگویی نو است. این اتفاق بزرگی است که می‌تواند در ساخت سینمای غالب جهان، میزبان کاملاً جدیدی به کاراکتر قدیمی زن در سینما بدهد. اگر جشنواره فیلم حوا بتواند حرکت تازه‌ای در بدنه سینمای ایران ایجاد کند و نگاه تازه‌ای در مقوله زنان به سینمای ما اضافه کند - که به حقیقت وجودی زن امروز نزدیک باشد - به همان اندازه می‌تواند کشف و شهودی را باعث شود که پیش از این در سینمای ما اتفاق نیفتاده است. خوشبختانه مسایل زنان، مسایلی جهانی هستند و با اینکه صورت برخی از این مسایل و مشکلات با یکدیگر متفاوت است بعضاً ماهیت این مسایل به شکل غریبی به یکدیگر نزدیک است. اما سینما کمتر به اینگونه مسایل ورود کرده است. برای سینمای جهان همواره «تجارت» و «سیاست» در اولویت بوده است این سینما در همه مسایلی مهمی که ورود کرده همیشه این دو مساله را سرلوحه خود قرار داده و از آن عدول نکرده است. در سینمای جهان نمونه‌های اندکی پیدا می‌شوند که خارج از قواعد رایج سینما امکان ساخت پیدا کرده باشند و موضوع زنان از آن دست مواردی بوده که همواره مورد مناقشه بوده است. به اینها اضافه کنید که در نگاه شرق و غرب، پاره‌ای از مسایل به شکل بنیادین با یکدیگر تفاوت دارند و این تفاوت را گزاره‌هایی مانند دین و عرف و منهنیات به شدت پرتنگ می‌کنند. به نظر می‌رسد زمان آن رسیده که نگاه جامع‌تری به آثاری که در حوزه تصویر با موضوع زنان ساخته می‌شوند، داشته باشیم و به موضوع نگاه تازه‌تری بکنیم و تلاش کنیم تصویری گویاتر، به روزتر و نزدیک به حقیقت از چهره زن در زمانه کنونی بر پرده سینماها تابانده شوند. همه مساله همین است!

آسیه ترابی - جشنواره فیلم حوا در بحبوحه غوغایی که در جهان بر سر موضوع زن در خانواده و اجتماع به راه افتاده، برگزار می‌شود. جشنواره‌ای که می‌کوشد تصویر تازه‌ای از سیمای زن در جامعه و خانواده به دست دهد. زنان بخش قابل توجهی از جوامع انسانی را تشکیل می‌دهند و اینگونه که آمارها می‌گویند بسیاری از خواسته‌ها و نیازهای آنان در جوامع مختلف بی‌پاسخ مانده یا توسط رسانه‌های مختلف صورت این خواسته‌ها و نیازها به انحراف کشیده شده است. سینما یکی از رسانه‌های قدرتمندی است که با وجود همه ظرفیت‌هایش به موضوع زنان آنگونه که دلخواهش بوده ورود کرده است. سینما در موضوع زنان به شکل آشکارا دچار کژتابی‌هایی شده که پرداختن به یکایک آنها از حوصله این مطلب خارج است. اما به طور ضمنی می‌توان به استفاده‌های تجاری بی‌پایانی که سیستم سینمای جهان از مقوله زن کرده، اشاره کرد. سینمای غالب که بخش بزرگی از تولیدات جهان را نمایندگی می‌کند عموماً زن را در ساخت‌هایی دیده که یا ماورایی و تخیلی بوده‌اند و یا در بستر داستان‌هایی روایت شده‌اند که زمینه اصلی آنها کشش‌های جنسی و اغواگرانه بوده است. با این دست فرمان سینمای غالب جهان، به این منزل رسیده است. تصویری که پس از یک قرن از برآیند آثار تجاری و هنری سینمایی در حوزه زنان به ذهن متبادر می‌شود، ملغمه‌ای از اعوجاج و سردرگمی و تحیر است. البته که تصویر خوشایندی نیست. کشف بزرگی هم نخواهد بود اگر بگوییم در این بلبشو، جشنواره‌ای مثل جشنواره فیلم حوا می‌تواند مانند هوای تازه‌ای باشد که به دنبال مفری تازه



## مادری که هنوز دخترانگی‌اش را در آغوش می‌کشد

ثریا قاسمی، در ۲۸ آذرماه سال ۱۳۲۹ در محله سقاباشی بازارچه، خیابان ایران، حوالی میدان ژاله تهران، در خانه‌ای قدیمی و بزرگ به دنیا آمد. او تنها فرزند هنرمند پیشکسوت و مردم‌دار حمیده خیرآبادی و حسین ملاقاسم است. در چهار سالگی از طریق مادرش با تئاتر آشنا شد و این مقدمه آغاز ورود او به دنیای هنر بود. تا مقطع دیپلم تحصیل کرد و رشته‌های مختلف هنری را امتحان کرد تا اینکه، در همان سال‌های جوانی فهمید نه موزیسین است و نه نقاش، او تصمیم گرفت صدای پیشه و بازیگر باشد. در سال ۱۳۴۰ در ۲۱ سالگی برای رادیو آرش تست گویندگی داد و بعد از قبولی کار گویندگی خود را در رادیو، با خواندن دلنوشته‌های سربازی برای مادرش، شروع کرد. ثریا عاشق رادیو است و معتقد است که هر چه دارد از رادیو دارد. هم سن و سالی خودش با رادیو باعث شده است که او رادیو را خواهر بزرگتر خود بداند. دهه ۱۳۴۰ برای او دوره مهمی بود. آموزش در کنار استاد حمید سمندریان و همکاری با پیشکسوتانی چون محمدعلی کشاورز، جمشید مشایخی، جمیله شیخی، سعید پورصمیمی و... او را از نظر تجربه‌های هنری بارور کرد. وقفه پس از انقلاب در تولیدات هنری، او را مانند بسیاری از هم‌دوره‌هایش از سال‌های طلایی حرفه‌اش محروم کرد تا زمانی که همه چیز سر جای خودش قرار گرفت، و قاسمی چشمانش را باز کرد و دید که باید نقش مادر بزرگ را بازی کند. وی در توضیح این اتفاق گفته است: در سینما و تلویزیون پیر شدم. او برای نقش آفرینی در «مارال» برنده سیمیر بلورین بهترین بازیگر زن و برای «ویلاهی‌ها» توانست سیمیر بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل جشنواره فجر را کسب کند. ثریا قاسمی بیش از پنج دهه است که در عرصه سینما و تلویزیون ایران حضور اثرگذاری را تجربه می‌کند و البته که در همه این سالها کوشیده کیفیتی بالا از هنر بازیگری خود را ارائه کند. او از جمله بازیگرانی است که تقریباً اغلب کارگردانانی که نیاز به بازیگری شش‌دانگ و درجه یک برای سپردن کاراکترهای مادران دارند به سراغ وی می‌روند. ثریا بازیگر توانمند، و دختر یکی یک‌دانه حمیده خیرآبادی است که مادرانگی و دخترانگی هر دو در وجودش به یک اندازه رشد کرده‌اند. چشم‌های او هنوز دختری تنهایی را به تصویر می‌کشد که به یک‌باره مادر شد. مادری از جنس ایران، که هنوز دخترانگی‌اش را به آغوش می‌کشد.

